

سعی کنید در معارف الهی جلو بروید تا سؤالاتتان یکی جواب داده شود

شماره پرسش: ۱۰۳۰۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۷/۲۶ ۰۷:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام: من ۲۳ ساله اهل قم در یک خانواده نسبتاً معمولی به دنیا اومدم مدتی دارم کتاب آشتی با خدا رو میخونم، در کنار کتابهای دیگه ای که دارم مطالعه می کنم الان احساس بدی دارم، احساس پوچی واقعا احساس می کنم خیلی خالی هستم، همه ی زندگیم فکر و تمرکز روی تعلقات دنیاایم بوده، پول، رفاهیات، آدمی که عاشقانه دوستم داشته باشه، جلب توجه دیگران و... اینها حجابهای زخیمی بین من و پروردگارم کشید. اینقدر خواستم زخیم باشه که حتی روزنه ی کوچکی از این نور به درونم نتابه حالا که همه ی وجودمو سیاهی گرفته دنبال نور می گردم و پاره کردن این پرده ها از وجودم و پیدا کردن اون نور مطلق برام آرزو شده، یه آرزویی که می ترسم بهش نرسم. زندگی بیهوده داشتن سخته و سخت تر از اون اینکه حس کنی دیگه راه نجاتی برای خودت باقی نداشتی. نمیدونم چرا اینطور وجودمو نابود کردم دنبال چی بودم؟ حالا من گمراه میخوام این راهی رو که رفتم برگردم اما خیلی طولانیه آیا میتونم از نو شروع کنم؟ معنی اخلاص با خدا چیه؟ وجودم تاریک شده، اون نوری که منتظرشم کجاست؟ من خودم همه ی پرده هارو کشیدم تا نوری بهم نتابه، ولی گم شدم تو این سیاهی، به کجا دارم میرم نمیدونم. هر چی در مقابلم می بینم تاریکیه. نماز که میخونم هیچ لذتی نمی برم، از خودم بدم میاد که اینقدر وقیحانه در مقابل پروردگارم می ایستم ولی هیچ توجهی بهش ندارم اون میفهمه ولی به روم نمیاره بجایی که مچمو بگیره دستمو می گیره و این لطف اونو که اینقدر منو از خودم متنفر میکنه. چکار کنم چطوری بهش وصل بشم باهاش آشتی کنم؟ دلم می خواد با اون باشم تا از همه دنیا آزاد بشم. کمک کنید لطفا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً متوجه‌اید که حضرت حق از ما دور نیست ما هر اندازه در جدی‌نگرفتن غیر خدا موفق شویم به همان اندازه به خدا نزدیک می‌شویم، پس باید آرام آرام متوجه شد که همه‌ی کمالات و همه‌ی برکات در زیر سایه‌ی حضرت حق محقق می‌شود. سعی کنید در معارف الهی جلو بروید تا سؤالاتتان یکی جواب داده شود. مباحث معرفت نفس شروع خوبی است. موفق باشید